

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی

عنوان:

پایگاه اجتماعی زنان در  
خانواده  
(مقایسه اسلام و فمینیسم)

استاد راهنما:

حجه الاسلام دکتر حسن خیری

استاد مشاور:

حجه الاسلام دکتر عبدالرسول هاجری

دانشجو:

نفیسه السادات کریمیان

تقدیم

مادر فداکارم حضرت زهرا(س) و پدر مهربانم  
حضرت علی(ع) که لحظه لحظه زندگیم را مرهون  
الطاف بی‌کران‌شان هستم

## تقدیر و تشکر

با سپاس بی‌کران به درگاه ایزد متعال، برخورد لازم می‌دانم از کلیه سرورانی که در تدوین این پایان‌نامه، با صبر و شکیبایی اینجانب و یاری نموده‌اند به خصوص از استاد راهنما جناب آقای دکتر خیری و استاد مشاور جناب آقای دکتر هاجری، صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم.

همچنین از همراه و مشوق همیشگی‌ام جناب آقای سید مهدی کریمیان، خانواده بزرگوارم و دوستانی که همواره یاریگر من بوده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

## چکیده

پژوهش «پایگاه اجتماعی زن در خانواده» با عنایت به مقایسه رویکرد اسلام و فمینیسم، به بررسی و تحلیل جایگاهی که به لحاظ اجتماعی زنان در خانواده و به دنبال آن در جامعه اشغال می‌کنند می‌پردازد و با توصیفی از وضعیت گذشته و کنونی آنان و ظلم‌ها و ستم‌هایی که در طول تاریخ بر آن‌ها روا شده، در صدد بررسی علل ظهور جنبش‌های جدید در زمینه دفاع از حقوق زنان می‌باشد، این‌که این جنبش‌های نوظهور و فعالیت‌های آن‌ها در چه زمینه‌هایی صورت گرفته و چه دستاوردها و پیامدهایی را برای زنان، خانواده و جامعه در پی داشته است. پژوهش حاضر با روش کیفی و رویکرد توصیفی — تحلیلی که حاصل مطالعات کتابخانه‌ای و فیش برداری از منابع موجود بوده است، به مقایسه پایگاه اجتماعی زن در خانواده، از دو منظر اسلام و فمینیسم پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که گرچه فمینیسم در خاستگاه‌های اولیه خود، بعضاً نظریه‌ها و خواسته‌های قابل تأمل و قابل دفاعی داشته اما به مرور زمان با ابزار انتقام از جنس مذکر با شیوه‌های ناکارآمد، تحقیر و بی‌ژگی‌ها و خصوصیات طبیعی زنان، انکار تفاوت‌های میان زن و مرد و در نظر گرفتن خانواده و نهاد ازدواج به عنوان عوامل بدبختی و ستم بر زنان در طول تاریخ، بیشتر تلاش خود را در جهت متزلزل ساختن بنیان‌های خانواده و نابودی کامل آن به کار بسته است.

دین اسلام، با توجه به تفاوت‌ها و خصوصیات زن و مرد به حمایت از نهاد خانواده پرداخته و با تبیین جایگاه والا و انسانی برای زن در نقش‌های منحصر به فرد مادری و همسری، به تحکیم پایه‌های خانواده و به تبع آن جامعه می‌پردازد. اسلام، به عنوان مجموعه‌ای پیوسته و سیستماتیک که تمامی اجزا و قوانین موجود در آن با یکدیگر پیوستگی دارد در نظر گرفته می‌شود. سیستمی که هر یک از اجزای آن در ارتباط منطقی با سایر اجزا قابل تحلیل و بررسی

می‌باشد. بررسی و تحلیل هر یک از اجزاء در خلاء و بدون در نظر گرفتن ارتباط آن با سایر اجزا ممکن است به نتایجی متفاوت از تحلیل نقش آن در ارتباط با کل سیستم منجر شود. براساس نگرش سیستمی، تمامی اجزای یک سیستم برای رسیدن به هدفی واحد، عمل می‌کنند و از آنجا که بنا بر جهان بینی اسلام، انسان جزئی از یک نظام هماهنگ و حکیمانه است لذا تفاوت‌های میان زن و مرد نیز که ناشی از این نظام هماهنگ است، نه تنها ستم‌آمیز نیست بلکه کاملاً حکیمانه است. بنابراین عناصر گوناگون در نظام حقوقی زن در اسلام مانند مهریه، نفقه، دیه، ارث و... که مورد انتقاد طرفداران حقوق زن می‌باشد، در درجه اول باید در نگرشی سیستمی در ارتباط با سایر اجزا تفسیر گردد و سپس در ارتباط با اهداف نظام خانواده، جامعه و غایت خلقت مورد بازبینی و بررسی و تحلیل قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** فمینیسم، پایگاه اجتماعی، خانواده، اومانیسم، لیبرالیسم.

## فهرست مطالب

1	مقدمه
5	فصل اول، کلیات پژوهش
6	1- بیان مسأله
7	2- ضرورت پژوهش و اهمیت موضوع
8	3- سؤال اصلی
8	4- سئوالات فرعی
9	5- اهداف پژوهش
9	6- روش شناسی
10	فصل دوم، ادبیات موضوع
11	1- پیشینه موضوع
13	2- چارچوب مفهومی پژوهش
13	الف - فمینیسم
13	ب - پایگاه اجتماعی
14	ج - خانواده
15	د - نقش اجتماعی

16	هـ - اومانيسم.....
16	و - ليبراليسم.....
17	ز - سڪولاريسم.....
	<b>فصل سوم، يافته‌هاي پژوهش.....</b>
	<b>Error! Bookmark not defined.....</b>
	<b>بخش اول: فمينيسم.....</b>
	<b>Error! Bookmark not defined.....</b>
	<b>1- وضعيت زن در طول تاريخ.....</b>
	<b>Error! Bookmark not defined.....</b>
	<b>2- تاريخچه فمينيسم.....</b>
	<b>Error! Bookmark not defined.....</b>
	<b>3- امواج فمينيسم.....</b>
	<b>Error! Bookmark not defined.....</b>
	<b>الف - موج اول.....</b>
	<b>Error! Bookmark not defined.....</b>
	<b>ب - موج دوم.....</b>
	<b>Error! Bookmark not defined.....</b>
	<b>ج - موج سوم.....</b>
	<b>Error! Bookmark not defined.....</b>
	<b>3- مناسبات فمينيسم و خانواده.....</b>
	<b>Error! ..... 4- بنيان‌هاي فكري غرب جديد و تأثير آن در نگرش غرب به زنان.....</b>
	<b>Bookmark not defined.</b>
	<b>Error! Bookmark not defined.....</b>
	<b>الف - اومانيسم.....</b>
	<b>Error! Bookmark not defined.....</b>
	<b>ب - سڪولاريسم.....</b>
	<b>Error! Bookmark not defined.....</b>
	<b>ج - تجربه‌گرایی.....</b>
	<b>Error! Bookmark not defined.....</b>
	<b>د - نسبيت‌گرایی.....</b>
	<b>Error! Bookmark not defined.....</b>
	<b>هـ - فردگرایی.....</b>
	<b>Error! Bookmark not defined.....</b>
	<b>و - ليبراليسم.....</b>
	<b>Error! Bookmark not defined.....</b>
	<b>ز - برابری.....</b>
	<b>Error! Bookmark not defined.....</b>
	<b>5- گرايشات فمينيستي و خانواده.....</b>



Error! Bookmark not defined.....	الف - فمینیسم لیبرال
Error! Bookmark not defined.....	ب - فمینیسم مارکسیستی
Error! Bookmark not defined.....	ج - فمینیسم رادیکال
Error! Bookmark not defined.....	د- سوسیال فمینیسم
Error! Bookmark not defined.....	ه - فمینیسم فرامدرن
Error! Bookmark not defined.....	نقد و بررسی
Error! Bookmark not defined.....	پیامدها و کارکردها
Error! Bookmark not defined.....	بخش دوم: ایران و فمینیسم
Error! Bookmark not defined.....	بخش سوم: موقعیت زن در اسلام
Error! Bookmark not defined.....	1- زن در نزد اعراب جاهلی
Error! Bookmark not defined.....	2- جایگاه زن و مرد در اسلام
Error! Bookmark not defined.....	3- جایگاه خانواده در اسلام
Error! Bookmark not defined.....	4- جایگاه زن در خانواده
Error! Bookmark not defined.....	الف - زن در جایگاه همسری
Error! Bookmark not defined.....	ب - زن در جایگاه مادری
Error! Bookmark not defined.....	فصل چهارم، مقایسه و نتیجه گیری
114 .....	منابع و مأخذ

## مقدمه

فمینیسم نهضتی برای احقاق حقوق زنان است و بر این عقیده و باور است که زنان باید در تمامی جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با مردان، فرصت‌های مساوی داشته باشند و به تمام امکانات و فرصت‌های برابر دست پیدا کنند و در واقع به دنبال برابری کامل زنان و مردان است، که در اواخر قرن نوزدهم میلادی و در پی اعتراض به نابرابری‌های اجتماعی و مردسالاری حاکم بر اعلامیه حقوق بشر فرانسه، به صورت رسمی شکل گرفت. فمینیسم، اصطلاحی است که مدت‌ها پس از آنکه زنان به موقعیت فرودست خود اعتراض نمودند و خواستار بهبودی در وضع اجتماعی‌شان شدند، پدیدار گشت. ظهور پدیده فمینیسم و علل پیدایش آن در جوامع غربی، به جایگاه فرودست و درجه دومی زنان و ظلم‌هایی که در حق آنان در طول تاریخ بشر و تمدن‌های باستانی دنیای غرب روا می‌شده، باز می‌گردد. در روم باستان، زنان از ابتدایی‌ترین حقوق اجتماعی محروم بودند، در یونان، زنان با بردگان و حیوانات برابر بودند و حق رأی و مالکیت نداشتند، در نگاه اندیشمندان غربی چون روسو و منتسکیو، زنان موجوداتی فرومایه و کم ارزش شمرده می‌شدند، در دوران قرون وسطی نیز انواع ستم‌ها در حق زنان روا می‌شد و آن‌ها را از اولین حقوق خویش مانند سوادآموزی و انتخاب همسر محروم می‌نمودند. با آغاز دوران رنسانس در غرب و ایجاد تحولات انقلابی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی و غلبه تفکر اومانیستی و اهمیت دادن به خواست و میل انسان‌ها، مسأله دفاع از حقوق زنان نیز به یکی از مطالبات مردم تبدیل گشت. جنبش دفاع از حقوق زنان در دنیای غرب و به دلایل غربی و با توجه به شرایط فرهنگی اجتماعی آن‌ها متولد شد و در واقع فرزند شایسته و خلف نهضت رنسانس و تفکرات اومانیستی است که یافته‌های

بشری و تجربه را منبع و ملاک تشریح و قانون گذاری می‌داند. هدف اصلی این جنبش، مبارزه با هر گونه ظلم و ستم و تبعیض علیه زنان در جوامع، اصلاح وضعیت زنان و بر طرف نمودن علل فرودستی آنان، براساس مبانی فکری غرب و در نهایت برابری کامل زن و مرد در تمامی عرصه‌ها می‌باشد. از دستاوردهای این نهضت می‌توان به، کسب حق رأی برای زنان، استقلال مالی، افزایش مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی زنان، نفی نقش‌های کلیشه‌ای، زیر سؤال بردن و حذف تمامی برداشت‌های متعصبانه و غلط در مورد جنس دوم بودن زن و... اشاره نمود. البته باید توجه داشت که هر چند زنان به کسب برخی موقعیت‌های برابر در جوامع دست یافتند اما متأسفانه شکل مدرنی از فرودستی و ظلم علیه زنان که همان استعمار جنسی و استفاده ابزاری از زن می‌باشد، بر زنان تحمیل شد. از پیامدهای فمینیسم نیز به طور خلاصه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: ایجاد تقابل میان زن و مرد، افزایش آمار طلاق، رواج همجنس‌گرایی، تزلزل و فروپاشی ارکان خانواده، بی‌ارزش نمودن زنانگی، افزایش بارداری‌های ناخواسته و سقط جنین، افزایش روسپی‌گری، رشد تصاعدی تجاوزات جنسی و...

اکنون ما نیز در دورانی به سر می‌بریم که به برکت انقلاب ارتباطات و دسترسی به اینترنت، ماهواره و وسایل ارتباط جمعی، با چنین مسائلی در جامعه اسلامی خود مواجه هستیم و فضای فرهنگی اجتماعی جامعه ما، تحت تأثیر هجمه تبلیغات رنگین فمینیستی قرار گرفته است و با تمام قوا، انگشت اتهام خود را به سمت اسلام و قانون اساسی کشور ما که مبتنی بر مبانی فقهی اسلامی است، نشانه رفته‌اند و اسلام را متهم به نابرابری و تبعیض در حق زنان می‌نمایند. در حالیکه دین اسلام به عنوان یک مکتب آسمانی که از سوی خالق هستی برای تکامل و سعادت بشر فرستاده شده است، همواره بر احترام ویژه به زنان و جایگاه و منزلت والای آنان تأکید نموده است، و در دورانی که مردم جزیره العرب داشتن دختر را ننگ می‌دانستند و آنان را زنده به گور می‌کردند، پیامبر اسلام(ص)، دختر را نعمت خدا معرفی می‌نمود و دست دختر خود را می‌بوسید و همگان را بر احترام به همسران، مادران و دختران

تشویق می‌نمود. اسلام همواره بر انسانیت زن و یک سرشتی او با مردان، تأکید نموده است، هر چند او را انسانی متفاوت و مستقل از مردان معرفی می‌نماید و هرگز او را موجودی درجه دوم و طفیلی وجود مرد در نظر نگرفته است. اسلام علاوه بر آنکه به تفاوت‌ها و تمایزات میان زن و مرد توجه می‌کند و آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد، در امر تشریح و قانون‌گذاری خود نیز آن‌ها را لحاظ می‌نماید. بر عکس فمینیسم که دست به انکار تفاوت‌های میان زن و مرد در گرایش‌های رادیکالی خود می‌زند و یا در گرایش‌های معتدل‌تر خود، اگرچه تفاوت‌های میان دو جنس را به رسمیت می‌شناسد اما در برنامه‌ریزی‌ها و قانون‌گذاری خود، آن‌ها را نادیده می‌انگارد و به اصطلاح خود از این طریق به دنبال دستیابی به برابری کامل (تشابه) زن و مرد در عرصه‌های مختلف زندگی می‌باشند. دنیای غرب، متناسب با مبانی و اصول فکری خود، تکلیف خود را در زمینه مسایل زنان مشخص نموده است در حالیکه ما با مبانی وحیانی و اسلامی و غیرقابل قیاس که ریشه در ارزش‌های معنوی ارائه شده از سوی خالق هستی دارد، هنوز تکلیف خود را با آن مبانی به ویژه در مسایل زنان، مشخص نساخته‌ایم. امید آن است که صاحب نظران دینی و دانشمندان و فرهیختگان دانشگاهی با توجه به مبانی اصیل اسلامی و تمسک و توجه ویژه به قرآن کریم، به بازنمایی و بازشناسی جایگاه والا و منزلت انسانی زن در اسلام پرداخته و آن را مجدداً در جامعه اسلامی احیا نمایند و ذهن مردم به ویژه جوانان را در این زمینه‌ها روشن نمایند تا از این طریق در مقابل هجوم‌های تبلیغاتی دنیای غرب ایستادگی نموده و برای تمام انتقادات و اتهامات آن‌ها، پاسخ روشنی با توجه به مبانی فقهی اسلامی داشته باشند، تمامی این مسایل ما را بر آن داشت تا موضوع «پایگاه اجتماعی زن در خانواده» را انتخاب نموده تا در حد توان خود، وظیفه خود را ادا کرده باشیم.

پژوهش حاضر شامل چهار فصل می‌باشد. فصل اول، به کلیات پژوهش می‌پردازد و پس از تشریح مسأله و بیان ضرورت انجام پژوهش و اهمیت موضوع، به بیان سئوالات، اهداف و روش شناسی پژوهش می‌پردازد. فصل دوم، ادبیات موضوع را مورد کنکاش قرار داده و به

پیشینه موضوع و چارچوب خود مفهومی پژوهش نظر دارد. فصل سوم، در بر دارنده یافته‌های پژوهش است که شامل سه بخش، موقعیت زن و خانواده از منظر فمینیسم، فمینیسم در ایران، و جایگاه زن و خانواده از منظر اسلام می‌باشد. در بخش فمینیسم به وضعیت زن در طول تاریخ، تاریخچه فمینیسم، امواج و ویژگی‌های آن، مناسبات فمینیسم و خانواده، گرایش‌های فمینیستی و نوع نگاه آن‌ها به خانواده با توجه به مبانی فکری غرب پرداخته شده و در نهایت نیز به نقد و بررسی و بیان پیامدها و کارکردهای فمینیسم می‌پردازیم. در بخش مربوط به ایران، به بحث کنوانسیون در ایران، ماهیت فمینیسم در ایران و طرفداران فمینیسم در ایران پرداخته‌ایم. در بخش مربوط به اسلام نیز به موقعیت زن در اسلام، جایگاه زن در عصر جاهلیت، جایگاه خانواده و جایگاه زن و مرد از منظر اسلام پرداخته‌ایم. فصل چهارم پژوهش، در بردارنده مباحث مقایسه رویکرد فمینیسم و اسلام در ارتباط با جایگاه زن در اجتماع و خانواده می‌باشد و در نهایت به نتیجه‌گیری کلی از مباحث مطرح شده، می‌پردازد.

فصل اول،

# کلیات پژوهش

## ۱- بیان مسأله

امروزه در ارتباط با خانواده و جایگاه آن و به ویژه در رابطه با جایگاه زنان به عنوان یکی از ارکان کلیدی آن و نقش آن‌ها در خانواده و جامعه مباحث متعددی مطرح شده است و این امر به نوعی ریشه در موقعیت زنان در جوامع گذشته و ظلم‌هایی که در حق آن‌ها می‌شده، دارد. در دنیای امروز با توجه به افزایش ارتباطات و بالا رفتن سطح آگاهی افراد جامعه، به ویژه بانوان توقعات آن‌ها از زندگی به شکل نوین و قابل توجهی تغییر کرده و به دنبال باز تعریف نقش و وظایف خود در خانواده و اجتماع برآمده‌اند. البته تغییرات جهان خارج و رواج فمینیسم نیز که نقش زنان در خانواده را به چالش کشانیده است، بر این مسأله دامن زده است.

بنابراین با تغییر موقعیت زن و ورود و حضور پر بارتر او به صحنه اجتماع و مشاغل، جایگاه او به عنوان همسر و بانوی خانه‌دار دچار تغییر و دگرگونی گشته است. حال در پی آن هستیم تا دریابیم، این وضعیت و تغییر با رویکرد اسلامی چگونه نگریسته می‌شود و نگاه اسلام و دیدگاه‌های فمینیستی به پایگاه اجتماعی و نقش زنان در خانواده و جامعه چگونه می‌باشد؟ دیدگاه‌های فمینیستی و فضای لیبرال جوامع غربی و کشیده شدن دامنه آن به مسایل زنان و این که زنان نسبت به مردان در درجه دوم از اهمیت قرار دارند، مسأله جدی جامعه ما شده است و لزوم توجه جدی به این مسأله را ضروری می‌نماید. اسلام نیز در باب خانواده، تقسیم کار و مسایل حقوقی زن و مرد در خانه و اجتماع و از انتظارات متفاوتی که از هر یک از دو جنس می‌رود سخن گفته اما هیچ‌گاه یکی را بر دیگری ترجیح نداده و طفیلی دیگری قرار نداده است، در این جا، با بررسی آراء و نظریات اندیشمندان فمینیست پیرامون وضعیت زن و خانواده و بیان نظر اسلام درباره این گونه مسایل، در صدد مقایسه این دو رویکرد بر خواهیم آمد و ایراداتی که فمینیست‌ها نسبت به این مواضع می‌گیرند با کدام معیار و ملاک است و آیا این

ایرادات به اسلام نیز وارد است؟

باید توجه داشت که فمینیسم در بطن جامعه غربی رشد کرده و برخی از مسایل و ایرادات آن ناشی از شرایط اجتماعی فرهنگی و اقتصادی همان جامعه است و اصلاً در اسلام محلی از اعراب ندارد. ما با رویکردی ساختار گرایانه، ساختار اجتماعی اسلام و جایگاه خانواده و زن را در این ساختار مورد توجه قرار داده و آن را با دیدگاه‌های فمینیستی مورد مقایسه قرار می‌دهیم.

در واقع سعی ما بر آن است تا با در نظر گرفتن واقعیت‌های وجودی و جنبه‌های مختلف شخصیت زن در عرصه‌های زندگی، با تحلیل و بررسی دقیق و واقع‌گرایانه و به دور از تعصبات و باورهای نادرست، به زن از جایگاه و مقام انسانی‌اش نظر افکنده و حقوق، مسئولیت‌ها و نقش‌های وی را تبیین نموده تا برای مشکلات فرارویش چاره‌اندیشی شود. در واقع به دنبال فهم این مسأله هستیم که در این میان دیدگاه اسلام چیست؟ فمینیسم در این حوزه چه دیدگاهی دارد و نهایتاً این که کدام از این دو رویکرد با حقیقت وجودی زن همخوان‌تر و مناسب‌تر است؟

## ۲- ضرورت پژوهش و اهمیت موضوع

زن نیمی از پیکره بشریت و جامعه انسانی است که از دیر باز مورد توجه اهل علم و اندیشه بوده است، اما در قرن نوزدهم بود که حقوق، جایگاه و نقش او یک بار دیگر در سطحی وسیع مورد بررسی و مباحثات و مطالبات جدی و پیگیر قرار گرفت و منجر به پیدایش پدیده‌ای موسوم به «فمینیسم» گردید. در بیان اهمیت زن و جایگاه او در کانون خانواده، همین بس که در مقام همسر و مادر یکی از ارکان کلیدی خانواده به شمار می‌رود و خانواده نیز اولین اجتماع اصیل بشری و رکن اساسی جامعه انسانی بوده و هست.

جامعه اسلامی ما نیز که جزیی از جامعه جهانی است، تحت تأثیر افکار فمینیستی قرار گرفته و برخی از روشنفکران به دنبال آن هستند تا با کمک نظریات فمینیستی، مشکلات زنان جامعه ما را حل کنند. حال آن‌که این نظریات در موطن اصلی خود — غرب — ثمره‌ای جز



فروپاشی کانون خانواده‌ها، متلاشی کردن شیرازه‌های عاطفی و اخلاقی خانواده و اجتماع، افزایش روزافزون طلاق، رواج پدیده‌های غیر اخلاقی همچون همجنس‌خواهی و آزادی جنسی افراطی... نداشته است. بنابراین بیم آن می‌رود که تبلیغ و رواج چنین اندیشه‌هایی بدون توجه به مبانی آن‌ها و پیامدهای آن، در جامعه اسلامی ما نیز - مانند غرب - خانواده و جایگاه و نقش زن در آن دچار فرایند فروپاشی و تزلزل گردد و شاهد پیامدهای ناگوار آن در جامعه باشیم. لذا ضرورت تبیین نقش و جایگاه زن و مسأله فمینیسم در اندیشه اسلامی به وضوح مشخص می‌گردد. بنابراین چه کاری مهم‌تر از این که بار دیگر، زن را در تفکر ناب اسلامی بازشناسی و بازخوانی کنیم و صد البته از وضعیت زن در عرصه جهانی و افت و خیزهای مکاتب گوناگون فمینیستی نیز شناختی عالمانه و آگاهانه و به دور از حب و بغض به دست آوریم، تا بتوانیم وضعیت زن را در عرصه زندگی بهتر دریابیم و درباره شأن و منزلت اجتماعی او، اندیشمندانه‌تر برنامه‌ریزی کنیم.

### ۳- سؤال اصلی

بنابراین در این پژوهش سوال اصلی ما این است که: جایگاه زن در خانواده از نظر اسلام و فمینیسم چیست؟

### ۴- سؤالات فرعی

اکنون با توجه به سوال اصلی و دغدغه بنیادی پژوهش به صورت‌بندی مسائلی که ما را در فهم بهتر موضوع یاری می‌رساند می‌پردازیم:

- اسلام چه نقشی برای زن در خانواده تعریف می‌کند؟
- جایگاه زن در خانواده از نظر فمینیست‌ها چگونه مطرح می‌گردد؟
- پیامدهای فردی و اجتماعی این نقش‌ها در خانواده برای زنان در رویکرد فمینیستی چگونه تبیین می‌گردد؟
- پیامدهای فردی و اجتماعی این نقش‌ها در رویکرد دینی (اسلام) برای زنان چگونه است؟

- از منظر اسلام و فمینیسم، خانواده از چه جایگاهی برخوردار است؟
- تفاوت دو دیدگاه اسلام و فمینیسم در زمینه جایگاه زن در خانواده چگونه است؟

### ۵- اهداف پژوهش

با توجه به مسائلی که مطرح شد و دغدغه اصلی این طرح، اهداف پژوهش این گونه بیان می‌گردد:

- شناخت صحیح جایگاه زن در اسلام
- شناخت دیدگاه‌های مختلف فمینیستی در مواجهه به جایگاه زن در خانواده
- بررسی و تبیین پیامدهای عدم حضور زن در خانواده
- شناخت جایگاه خانواده از منظر اسلام و فمینیسم
- مقایسه دو دیدگاه اسلام و فمینیسم

### ۶- روش شناسی

در پایان این بخش لازم به ذکر است که روش مطالعه در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای است. اطلاعات و داده‌های موجود نیز به شیوه فیش‌برداری و مطالعه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

فصل دوم،

# ادبیات موضوع

## ۱- پیشینه موضوع

در مورد زن و مسایل مرتبط با آن، تحقیقات، مطالعات و مباحثات فراوانی به ویژه در دهه‌های اخیر و با مطرح شدن فمینیسم، صورت گرفته، کنفرانس‌ها و سمینارهای مختلفی پیرامون اسلام و فمینیسم و نوع نگاه به زن در این دو رویکرد برگزار شده است و اندیشمندان و پژوهشگران زیادی در این زمینه، دست به قلم برده‌اند، که تمام آن‌ها درخور توجه می‌باشند. هم‌چنین متون و تحقیقات خاصی در باب جایگاه زن در اسلام می‌توان یافت که با استناد به آیات و روایات به تبیین جایگاه زن پرداخته و در پی پاسخ دادن به شبهات موجود در جامعه می‌باشد.

کتاب‌ها و مقالات چشمگیری نیز در باب فمینیسم، علل و پیامدها و موقعیت آن در حال و گذشته، به رشته تحریر در آمده است. کتاب‌هایی چون: «نهاد خانواده از منظر دین» تألیف ناصر فروهی؛ «زن در آئینه جمال و جلال الهی» از آیت‌ا... جوادی آملی؛ «اسلام، زن و جستاری تازه» به قلم علامه محمدحسین فضل‌ا...؛ «نظام حقوق زن در اسلام» تألیف استاد مرتضی مطهری؛ «فمینیسم جهانی و چالش‌های پیش رو» تألیف عبدالرسول هاجری؛ «جامعه‌شناسی زنان» ترجمه منیژه نجم عراقی اثر پاملا ابوت؛ «مبانی فلسفی فمینیسم» تألیف خسرو باقری؛ «چیستی فمینیسم» اثر کریس بیسلی، ترجمه محمدرضا زمرد؛ «فمینیسم» تألیف جین فریدمن، ترجمه فیروزه مهاجر؛ «جنبش اجتماعی زنان» به قلم آندره میشل و هزاران اثر دیگر که درباره فمینیسم، جایگاه زن، نگاه اسلام و خانواده به رشته تحریر در آمده است.

«مبانی فلسفی فمینیسم» تألیف خسرو باقری، این کتاب در پی آن است که مبانی فلسفی حرکت اجتماعی و فکری فمینیسم را مورد بررسی و نقد قرار داده و علاوه بر اشاره تاریخی به گسترش فمینیسم و نظری به رابطه فمینیسم و فلسفه، تمرکز اصلی خود را بر مبانی فلسفی این جنبش و در پی آن نقد فمینیسم براساس این مبانی قرار داده است.

«فمینیسم» اثر جین فریدمن، نویسنده در این کتاب به دنبال پاسخ دادن به سئوالاتی چون، رابطه اندیشه فمینیستی با جامعه کنونی چیست؟ مقصود فمینیست‌ها از برابری و تفاوت کدام است؟ آیا در اندیشه فمینیستی وحدت یافت می‌شود یا فقط تضاد می‌باشد؟ این کتاب مدخلی است بر برخی از مباحث عمده در نظریه و عمل فمینیستی و با سبکی روشن و بدون اصطلاحات فنی، مدخلی روشن و دقیق از طیف گسترده اندیشه فمینیستی

را عرضه می‌دارد.

«چستی فمینیسم» تألیف کریس بیسلی، درآمدی موجز بر نظریه فمینیستی است که انواع فمینیست‌های موجود در جوامع غربی را به روشنی تبیین نموده و بررسی اندیشه‌ها و رویکردهای نظری مدون و قوام یافته فمینیستی را در دستور کار قرار می‌دهد.

«جنبش اجتماعی زنان» به قلم آندره میشل، به بررسی وضعیت زنان در طول تاریخ از دوره دیرینه سنگی تا عصر معاصر پرداخته و نقش جنبش‌های اجتماعی زنان را در تغییر جایگاه زنان در جامعه کنونی و عصر حاضر مورد توجه قرار می‌دهد.

«فمینیسم و دانش‌های فمینیستی» ترجمه سیزده مقاله از دایره‌المعارف فلسفی روتلیج در مورد فمینیسم، جنسیت و دانش‌های فمینیستی است که ضمن ارائه توضیحات لازم، توجه خود را به نقد پاره‌ای از مباحث مطرح شده، معطوف می‌نماید.

«زن در آینه جمال و جلال الهی» اثر آیت‌ا... جوادی آملی، با نگاهی دقیق و موشکافانه و با مراجعه و استناد به آیات قرآن کریم و روایات به بررسی جایگاه زن در خانواده و اجتماع می‌پردازد و به جایگاه و منزلت والای زن در آفرینش و نظام هستی توجه می‌نماید.

«درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام» تألیف محمدرضا زیبایی نژاد و محمدتقی سبحانی، نویسندگان در این کتاب علاوه بر توجه به فضای دنیای غرب و مبانی فکری و فلسفی آن، مسأله زن و فمینیسم را مطرح نموده و با بیان مبانی اسلامی و نقش دین و تشریح در جامعه و زندگی انسان‌ها جایگاه زن را از منظر اسلامی مورد توجه قرار داده و به نقد مبانی فکری غرب و فمینیسم پیرامون جهان و مسأله زن می‌پردازند و با قلم و بیان شیوای خود فمینیسم و ویژگی‌ها و پیامدهای آن را بیان نموده و به دنبال ارائه راهکار مناسب مبتنی بر مبانی اسلامی می‌باشند.

به طور کلی، به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت موضوع زن و نقش او در کانون خانواده و جامعه امروزی، هنوز جا برای انجام تحقیقات تازه موجود باشد، از این لحاظ پژوهش حاضر با توجه به رویکرد ساختارگرایانه و مقایسه رویکرد اسلام و فمینیسم درباره پایگاه اجتماعی زن در نقش همسر در خانواده، به نظر پژوهش مفید و به جا تلقی می‌شود. اگرچه در عین حال اذعان دارد که این پژوهش نیز گامی است در جهت بسط موضوع زنان و امید است چنین موضوعات و مباحثی با انجام پژوهش‌های تازه‌تر، تکمیل و پی گرفته شود.

## ۲- چارچوب مفهومی پژوهش

در این بخش با تعریف مفاهیم کلیدی به کار برده شده در پژوهش، در پی آن هستیم تا بهتر بتوانیم با موضوع ارتباط برقرار نماییم. مفاهیم کلیدی پژوهش: فمینیسم، خانواده، پایگاه اجتماعی، نقش اجتماعی، لیبرالیسم، اومانیزم و سکولاریسم.

### الف - فمینیسم

فمینیسم یک معنای واحد ندارد بلکه در واقع مجموعه‌ای از عقاید و گنش‌های متفاوت است. این واژه در دایره المعارف علوم اجتماعی این‌گونه تعریف می‌شود: «نهضتی اجتماعی که هدف از آن احراز پایگاهی مساوی با مردان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای زنان است».<sup>(۱)</sup>

فمینیسم یا جنبش زنان، آیینی است که می‌گوید: «زنان در جامعه مدرن به طور سیستماتیک و به حکم ماهیت نظام حاکم مورد تبعیض و ستم قرار می‌گیرند و خواهان برابری فرصت‌ها برای مردان و زنان است».<sup>(۲)</sup>

تلاش برای رسیدن به یک تعریف پایه از مبنای مشترک تمامی فمینیسم‌ها همواره می‌تواند با تأکید بر این نکته آغاز شود که اساس همه آن‌ها موقعیت فرودست زنان در جامعه و تبعیضی است که زنان به دلیل جنس خود با آن روبرو می‌شوند، افزون بر آن می‌توان این‌طور عنوان کرد که تمامی انواع فمینیسم، به منظور کاهش این تبعیض و در نهایت غلبه بر آن، خواهان تغییراتی در نظم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی‌اند.<sup>(۳)</sup>

بنابراین، فمینیسم اصطلاحی است که مدت‌ها پس از آنکه زنان به موقعیت فرودست خود اعتراض نمودند و خواستار بهبودی در وضع اجتماعی‌شان شدند، پدیدار شد.

### ب - پایگاه اجتماعی

پایگاه اجتماعی، وضعی است که یک شخص یا گروه در یک نظم اجتماعی در برابر دیگران می‌یابد.

---

<sup>1</sup>- باقر ساروخانی، **دایره المعارف علوم اجتماعی**، چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان، 1370، ص 265.

<sup>2</sup>- نیکلاس آبر کرامبی و همکاران، **فرهنگ جامعه شناسی**، ترجمه حسن پویان، چاپ اول، تهران:

انتشارات چاپخش، 1367، ص 155.

<sup>3</sup>- جین فریدمن، **فمینیسم**، ترجمه فیروزه مهاجر، چاپ اول، تهران: انتشارات آشیان، 1381، ص 5.

پایگاه اجتماعی تعیین کننده حقوق و وظایف انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی است. (۴)

جایی است که هر کس در ساخت اجتماعی اشغال می‌کند، وضع یا اعتبار اجتماعی است که معاصران فرد بدو به طور عینی در بطن جامعه‌ای که در آن حیات می‌گذرانند، تفویض می‌دارند. وضع یا مرتبتی که شخص به طور ذهنی حفظ می‌کند یا سعی در نگاهداری از آن در نظر دیگران دارد. (۵)

به موقعیت اجتماعی و جایگاهی اطلاق می‌شود که فرد در گروه یا در مرتبه اجتماعی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر احراز می‌کند. پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد، حقوق و مزایای شخص را تعیین می‌کند. پایگاه اجتماعی فرد بر دو نوع انتسابی و اکتسابی است. پایگاه انتسابی از آغاز تولد به فرد محول شده، عمدتاً بر زمینه‌های خانوادگی نوزاد استوار است مانند جنسیت، نژاد... در واقع بر نسبت او مبتنی است، نه بر شایستگی‌های فردی و نه آن چیزی که از طریق کار و کوشش به دست آورده است. پایگاه اکتسابی نیز به موقعیتی اطلاق می‌شود که براساس تلاش و کاری که فرد از خود بروز داده یا استعدادها و مهارت‌هایی که از خود نشان داده است، استوار می‌باشد. (۶)

بنابراین با توجه به تعاریف مذکور از پایگاه اجتماعی، جایگاه اجتماعی زن در خانواده نیز بیانگر موقعیت و جایگاهی است که به عنوان مادر و همسر در خانواده و جامعه اشغال می‌نماید و حقوق، مزایا، مسئولیت‌ها و وظایف ویژه زن را مشخص می‌سازد.

## ج - خانواده

خانواده یک گروه خویشاوندی است که در اجتماعی کردن فرزندان و بر آوردن برای نیازهای بنیادی دیگر، مسئولیت اصلی را برعهده دارد. خانواده مرکب از گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزند خواندگی به یکدیگر مربوط و منسوب بوده، برای مدتی طولانی و نامشخص باهم زندگی می‌کنند. (۷) و

<sup>1</sup> - باقر ساروخانی، پیشین، ص 730.

<sup>2</sup> - آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان، 1367، صص 380-381.

<sup>3</sup> - بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات سمت، 1384، صص 83-84.

<sup>1</sup> - همان، ص 173.

کارکردهای اصلی آن شامل، نظام بخشیدن به رفتارهای جنسی و تولید مثل، مراقبت و نگهداری کودکان، معلولان و سالمندان، اجتماعی کردن کودکان، تثبیت جایگاه اجتماعی و تعیین پایگاه‌ها، فراهم کردن امنیت اقتصادی (۸) و البته فراهم آوردن امنیت عاطفی و روانی برای تمامی اعضا می‌باشد.

اصطلاح خانواده را می‌توان در معنای مجموع اسلاف، اخلاف و خویشاوندان جانبی و والدین متعلق به یک دودمان و یا جمع زوجین و فرزندان آنان که اولین سلول یا واحد حیات طبیعی اجتماعی را تشکیل می‌دهند، به کار برد. (۹)

خانواده گروهی از افراد که با یکدیگر پیوندی بر پایه همخونی یا ازدواج یا فرزند پذیری دارند. (۱۰)

بنابراین منظور ما از خانواده مبتنی بر تعریف بروس کوئن از خانواده می‌باشد که به نظر جامع‌تر از سایر تعاریف می‌باشد و به ذکر کارکردهای خانواده نیز پرداخته است.

## د - نقش اجتماعی

نقش‌های اجتماعی، رفتارهای مورد انتظار جامعه‌اند که پیرامون یک وضع اجتماعی جای دارند. نقش‌های اجتماعی پدیده‌هایی کاملاً جمعی هستند که در هر جامعه و هر زمان، گروه‌های اجتماعی نقش‌هایی ویژه برعهده دارند و هر نقش با انتظاری خاص از جانب دیگران همراه است، تنوع نقش‌ها امری طبیعی است و بر گوناگونی پایگاه‌های اجتماعی متکی است ولی تخالف نقش‌ها مشکل‌آفرین است. (۱۱)

نقش اجتماعی شامل رفتارها، کردار و یا کار و وظیفه‌ای است که یک شخص در داخل یک گروه برعهده می‌گیرد. نقش را هم به عنوان نوع رفتار اجتماعی یک فرد که بر طبق الگوهای کلی اجتماعی و فرهنگی گروه صورت می‌گیرد و هم همچون نحوه پاسخ به انتظار دیگران تعریف می‌کنند. (۱۲)

نقش به رفتاری اطلاق می‌گردد که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده است، انتظار دارند. نقش‌های مناسب به صورت بخشی از فرایند اجتماعی شدن به فرد آموخته می‌شود و سپس او آن‌ها را

---

<sup>2</sup>- همان، صص 179-181.

<sup>3</sup>- آلن بیرو، پیشین، ص 130.

<sup>4</sup>- باقر ساروخانی، پیشین، ص 255.

<sup>1</sup>- همان، صص 723، 725.

<sup>2</sup>- آلن بیرو، پیشین، ص 377.



می پذیرد. (۱۳)

بنابراین، نقش زنان در خانواده در قالب نقش همسری و به دنبال آن مادری، رفتار، کردار و منش خاصی را می طلبد که مورد انتظار افراد جامعه سالم از آن است. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که گاهی ممکن است انتظارات جامعه از یک نقش خاص به دلیل افکار متعصب و جاهلانه فراتر از حیطه آن نقش باشد لذا باید توجه داشت که توقعات بیجا را با انتظارات معقول درهم نیامیزیم.

## هـ - اومانیسیم

اومانیسیم، به نظریه‌ای اطلاق می‌شود که احترام به حیثیت و تکامل همه جانبه انسان و ایجاد شرایط مساعد برای زندگانی اجتماعی او در مرکز آن قرار داشته باشد. (۱۴)

در فرهنگ وبستر، اومانسیم چنین تعریف شده است: «اومانیسیم گونه‌ای از تفکر است که به جای اصول مذهبی و الهیات، بر منافع بشری استوار است، یعنی بر منافع و ارزش‌های بشری تمرکز یافته است». (۱۵)

بنابراین منظور از اومانیسیم (انسان‌گرایی) مکتبی است که انسان را محور و مدار آفرینش و هستی قرار داده و با اصالت دادن به انسان، اصالت خدا، وحی، دین و هر نوع اصالت به امور دیگر را مورد نفی قرار می‌دهد و ادعایش این است که می‌خواهد انسان را در جایگاه بایسته خود قرار دهد. دنیای غرب بر پایه این اصل خدا را از زندگی بشر خارج ساخت و خواسته‌های انسان را بر همه چیز مقدم و مشروع شمرد، فمینیست‌ها نیز که در مبانی فکری و بنیادی خود به این اصل وفا دارند، زن، موقعیت و جایگاه او و نقش‌ها و توانایی‌هایش را بر اساس این اصل تفسیر و تبیین می‌نمایند.

## و - لیبرالیسم

از نظر اصطلاحی، لیبرالیسم به گرایش، فلسفه یا جنبشی اطلاق می‌شود که نگرانی اساسی‌اش، آزادی فردی است. به بیان دیگر لیبرالیسم به مجموعه روش‌ها، نگرش‌ها، سیاست‌ها و ایدئولوژی‌ای گفته می‌شود که

---

<sup>3</sup> - بروس کوئن، پیشین، ص 83.

<sup>4</sup> - غلامرضا علی بابایی، فرهنگ علوم سیاسی، ج 1، چاپ دوم، تهران: انتشارات ویس، 1369، ص 90.

<sup>5</sup> - به نقل از: علی ربانی گلپایگانی، نقد مبانی سکولاریسم، چاپ اول، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه

قم، 1382، ص 74.

عمده‌ترین هدف آن، فراهم آوردن آزادی هر چه بیشتر برای فرد است. (۱۶)

لیبرالیسم نگرشی به زندگی و مسایل آن است که تأکیدش بر ارزش‌هایی همچون آزادی برای افراد، اقلیت‌ها و ملت‌هاست. اصل بنیادی لیبرالیسم، ارزش اخلاقی و ارزش مطلق و کرامت ذاتی شخصیت انسان بوده است، یکی دیگر از اصول بنیادین آن برابری است. اصل برابری حقوق همه انسان‌ها در همه جا، آزادی اندیشه و بیان. (۱۷)

## ز - سکولاریسم

سکولاریسم، به معنای جدایی یا تقابل بین حوزه غیر مقدس یعنی دنیا از حوزه مقدس یعنی دین است. به عبارت دیگر گرایشی است که طرفدار و مروج حذف یا بی‌اعتنایی و به حاشیه راندن دین در ساحت‌های مختلف انسانی از قبیل سیاست، علم، عقلانیت، اخلاق و ... است. (۱۸)

در فرهنگ وبستر، سکولاریسم این گونه تعریف شده است: «سکولاریسم عبارت است از اعتقاد به این که زندگی و امور مربوط به آن باید از دین فاصله بگیرد و ملاحظات دین نادیده گرفته شود، بر این اساس ارزش‌های اخلاقی و روش‌های اجتماعی باید با توجه به معشیت دنیوی و رفاه اجتماعی و تعیین گردد نه با رجوع به دین». (۱۹)

تمدن جدید غرب، با پایه‌گذاری این اصول و مبانی به عنوان مبانی فکری خود، گام به گام در جهت حذف و طرد دین از ساحت‌های عمومی و اجتماعی پیش رفت تا جایی که دیگر نام و نشانی از خدا و دین باقی نگذاشت، فمینیسم مولود این تمدن جدید نیز وامدار مبانی فکری و فلسفی آن، این اصول را در آراء و نظریات خود پیرامون زن و موقعیت اجتماعی او و نقش او در خانواده به کار بست و نظریات خود را پی‌ریزی نمود.

---

1- عبدالرسول بیات و دیگران، فرهنگ واژه‌ها، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، 1381، ص 452.

2- جان سالوین شاپیرو، لیبرالیسم، معنا و تاریخ آن، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، چاپ اول،

تهران: نشر مرکز، 1380، ص 4.

3- عبدالرسول بیات و دیگران، پیشین، ص 328.

1- به نقل از: علی ربانی گلپایگانی، پیشین، ص 4.



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد